

الگوی ساختاری روابط بین روان‌پریشی، پارانوآ، خصومت و حساسیت بین فردی با باور به دنیای ناعادلانه

محسن گل پرور^۱، زهرا جوادیان^۲ و محمد رضا مصاحبی^۳

علیرغم اینکه بسیاری از انسانها به عادلانه بودن دنیایی که در آن زندگی می‌کنند، باور دارند؛ افرادی نیز هستند که باور چندانی به دنیای عادلانه ندارند. این گروه دوم، به جای باور به دنیای عادلانه، به دنیای ناعادلانه باور دارند. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش روان‌پریشی، پارانوآ، خصومت و حساسیت بین فردی در باور به دنیای ناعادلانه بود. بدین منظور، در یک پژوهش توصیفی مبتنی بر همبستگی، ۲۵۰ نفر به شیوه‌ی نمونه‌ی در دسترس انتخاب و از نظر میزان روان‌پریشی، پارانوآ، حساسیت بین فردی، خصومت و باور به دنیای ناعادلانه مورد آزمون قرار گرفتند. تحلیل رگرسیون واسطه‌ای نشان داد که طی یک مدل زنجیره‌ای چند سطحی، خصومت ابتدا باعث تقویت حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و پارانوآ می‌شود، سپس دو متغیر حساسیت بین فردی و روان‌پریشی به صورت پاره‌ای و معتادار، پارانوآ را تقویت می‌کنند و در پایان، پارانوآ زمینه را برای تقویت باور به دنیای ناعادلانه فراهم می‌سازد. باور به دنیای ناعادلانه از طریق پارانوآ و پارانوآ نیز از طریق خصومت، حساسیت بین فردی و روان‌پریشی تغذیه می‌شوند. در این پژوهش یک مدل از نحوه‌ی شکل‌گیری و تقویت باور به دنیای ناعادلانه به دست آمد.

واژه‌های کلیدی: باور به دنیای ناعادلانه، روان‌پریشی، پارانوآ، خصومت، حساسیت بین فردی

مقدمه

دنیایی که انسانها در آن زندگی می‌کنند، دنیایی سرشار از نظم و قاعده‌مندی است که در آن انسانهای خوب به دلیل شایستگی، تلاش و پشتکار و نه نیکخواهی و خیرخواهی دنیا به نتایج خوب و انسانهای بد، به دلیل عدم تلاش، بی‌کفایتی و ناعادلانه رفتار کردن، به فرجامی بد گرفتار خواهند شد. این ایده یا باور، همان باور زیربنایی مطرح برای نظریه‌ی باور به دنیای عادلانه^۴ است (فرنهام، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۵؛ فرنهام و پروکتر، ۱۹۸۹؛ دالبرن، لیکاس، سالی و گوج، ۲۰۰۱؛ لو، ۲۰۰۲؛

۱. دپارتمان روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان. ایران dr.mgolparvar@gmail.com

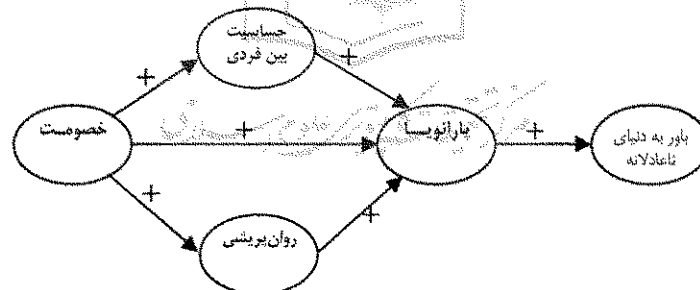
۲. دپارتمان روان‌شناسی، کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان، ایران.

۳. دپارتمان روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان، ایران.

۴. just world belief theory

کریستوفر، زابل، جونز و مارک، ۲۰۰۸؛ مک فارلین و کنوسن، ۲۰۰۸؛ کالان، ویل شد و اولسون، ۲۰۰۹). علیرغم اینکه بسیاری از انسانها از قومیت و ملت های مختلف به عادلانه بودن دنیایی که در آن زندگی می کنند، باور دارند اما افرادی نیز هستند که باور چندانی به دنیای عادلانه ندارند. این گروه دوم به جای باور به دنیای عادلانه، به دنیای ناعادلانه^۱ باور دارند (سجادیان و گل پرور، ۲۰۰۸؛ گل پرور و جوادیان، ۲۰۱۱). شواهد یک تا دو دهه ی قبل، تاکنون نشان داده است که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، دو مجموعه باور مستقل و متضاد هستند (گل پرور، خاکسار و خیاطان، ۲۰۰۹). تحقیقات نیز، موید پیامدهای مثبت متعدد در حوزه ی سلامت روان^۲ و بهزیستی روانشناختی^۳ برای این باورهاست (فرنهام، ۲۰۰۳؛ ایاتریدیس و فوزیانی، ۲۰۰۹).

این پژوهش، بر پایه ی مدل ارایه شده در شکل ۱ پایه گذاری شده است و یک مدل چهارسطحی است که خصومت در آن به عنوان متغیر مستقل (یا پیش بین)، حساسیت بین فردی و روان پریشی همراه با پارانویا، متغیرهای واسطه ای و باور به دنیای ناعادلانه به عنوان متغیر وابسته (یا پیامد) مطرح شده اند.



شکل ۱: مدل پیشنهادی از روابط بین پارانویا، روان پریشی، حساسیت و خصومت با باور به دنیای ناعادلانه

همانطور که در شکل ۱ مشاهده می شود، در سطح اول، خصومت طی سه ارتباط، موجب تقویت حساسیت بین فردی^۴، روان پریشی^۵ و پارانویا^۶ (سو ظن و بدگمانی) می شود. ارتباط بین خصومت و پارانویا، به لحاظ پژوهشی و نظری دارای حمایت بیرونی است. گیلدر، گات، مه یو و کوون (۱۹۹۷) در حوزه ی گرایشات شخصیتی پارانوید، مشخصه های انشعابی به نفس افراطی حساسیت غیرعادی نسبت به طردها و تحقیرهای خیالی یا واقعی را همراه با خود هم انگاری ستیزه جویی و

1. Belief to an unjust world
2. Psychological health

3. Psychological well being
4. Interpersonal sensitivity

5. Psychotism
6. Paranoia

پرخاشگری برای این نوع افراد ذکر کرده‌اند. در حالت‌های غیربالمینی، افکار پارانوئیدی، موارد قابل توجهی نظیر برون‌فکشی، سوطن، منفی‌نگری، خودمحوری و ترس از دست دادن خودمختاری و پرخاشگری را نیز در بر می‌گیرد (کلمان، ۱۹۹۷؛ لیندزی و پاول، ۱۹۹۸).

خصوصیت از لحاظ ماهیت، احساسات یا اعمالی است که وضعیت خلقی ناشی از خشم را نشان می‌دهد (ساراسون و ساراسون، ۱۹۹۶؛ مارنات، ۱۹۹۶). این وضعیت خلقی ناشی از خشم نه تنها می‌تواند باعث تقویت افکار پارانوئیدی شود بلکه به طور جدی می‌تواند از طریق ایجاد حساسیت غیرعادی در روابط بین فردی، زمینه را برای روان‌پریش گرایشی در افراد مختلف پدید آورد (لیندزی و پاول، ۱۹۹۸) زیرا در تعاملات و روابط بین فردی، وقتی افراد به دلیل خشم و خصومت قادر به کنترل رفتارهای خود یا انجام رفتارهای اجتماعی مناسب نباشند، از یک طرف از طریق بازخوردهای اجتماعی^۱، نسبت به روابط بین فردی با تکیه بر دست کم گرفتن خود و احساس عدم آرامش در جریان ارتباط با دیگران، حساس‌تر می‌شوند و از طرف دیگر، به دلیل اینکه این حساسیت همراه با گرایش‌های خصومت‌گونه و پرخاشگرانه همواره آنها را آزار می‌دهد، تمایل به روان‌پریش گرایشی که یکی از مشخصه‌های اصلی آن گوشه‌گیری و انزواست، تقویت می‌شود (سجادیان و گل‌پرور، ۲۰۰۹).

باور به دنیای ناعادلانه براساس بررسی‌های به عمل آمده، تمایل به رهایی از واکنش به محیط اطراف بر مبنای قواعد منصفانه و عادلانه تلقی می‌شود (فرنهام، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۳). به زعم فرنهام (۲۰۰۳) باور به دنیای ناعادلانه انعکاسی از دنیای سرشار از بی‌عدالتی است که در آن بی‌گناهی مجازات می‌شود، شایستگی و تلاش پاداش داده نمی‌شود و گناه و تقصیر نیز از زیر بار مجازات و تنبیه می‌گریزد. علیرغم نگاه دالبرت و همکاران (۲۰۰۱) در مواردی ممکن است باور به دنیای ناعادلانه با شرایط و موقعیت تناسب داشته باشد (دالبرت و همکاران، ۲۰۰۱) ولی توجه به آنچه فرنهام (۲۰۰۳) در حوزه‌ی مطالعه‌ی باور به دنیای ناعادلانه ذکر نموده، به خوبی بار پارانوئیدی این نوع باورها را نشان می‌دهد. زیربنای پارانوئیدی باور به دنیای ناعادلانه به ویژه در حالت شدید آن، از طریق مطالعاتی که نشان داده است باور به بی‌عدالتی با منفی‌نگری نیز ارتباط قابل توجهی دارد، حمایت می‌شود (فرنهام و پروکتر، ۱۹۸۹).

1. Social feedback

2. Hostile attributional bias

3. Vicious circle

شواهد پژوهشی حاکی از آن است که در حضور همزمان تمام شاخصهای وضعیت روانی (از شکایات جسمانی گرفته تا روان پریشی)، فقط پارانوئیا و در حضور ابعاد پرخاشگری (پرخاشگری بدنی تا خصومت) در درجه ی اول، خصومت، قادر به پیش بینی باور به دنیای ناعادلانه است (سجادیان و گل پرور، ۲۰۰۹؛ گل پرور و همکاران، ۲۰۰۹). از این منظر، افکار پارانوئیدی در درجه ی اول، باعث منفی نگری، بدبینی و سوطن و در پایان منجر به رفتارهایی می شود که از طریق سوگیری اسنادی خصمانه به وقایع و افراد، تقویت می شود. این امر به طور جدی باعث تقویت باور به دنیای ناعادلانه که دارای همپوشی های محتوایی قابل توجهی با افکار پارانوئیدی است، می شود (کلمان، ۱۹۹۷؛ لیندزی و پاول، ۱۹۹۸). تبیین نظری پیشرفته تر برای نقش پارانوئیا در باور به دنیای ناعادلانه، بر مبنای سوگیری اسنادی خصمانه به این شکل است که سوطن و خودبزرگ بینی کاذب، باعث پدیده آبی یک چرخه ی معیوب در روابط فرد با دنیای اطرافش می شود. به این شکل که فرد دارای مشکل سوطن و بدگمانی و منفی نگری آن گونه که باید و شاید نمی تواند در روابط خود با دنیای اطراف و به ویژه با انسانها، اعتماد لازم را برای تسهیل در روابط پدید آورد؛ در مقابل افرادی با افکار پارانوئیدی، به اشکال مختلف، بی اعتمادی را به دیگران بیرون فکسی می کنند؛ در نتیجه قادر به کسب دستاوردهای روانی-اجتماعی از روابط خود با دیگران نمی شوند (ساراسون و ساراسون، ۱۹۹۶؛ هارنات، ۱۹۹۶؛ لیندزی و پاول، ۱۹۹۸).

در این پژوهش، بر پایه ی مدل ارایه شده در شکل ۱ فرض بر آن داشتیم که در یک مدل چهارسطحی، خصومت به عنوان متغیر مستقل و حساسیت بین فردی، روان پریشی و پارانوئیا به عنوان متغیرهای واسطه ای و باور به دنیای ناعادلانه به عنوان متغیر وابسته (یا پیامد) مطرح بودند. تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه های این پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، مدل سازی معادله ساختاری و تحلیل رگرسیون واسطه ای و از طریق دو نرم افزار SPSS و AMOS انجام شده است.

روش

پژوهش حاضر، از لحاظ شیوه ی گردآوری داده ها و روش تجزیه و تحلیل داده ها از زمره پژوهش های تحلیل ماتریس کوواریانس (مدل سازی معادله ساختاری) محسوب می شود. جامعه ی آماری پژوهش، مردان و زنان ۱۸ سال به بالای شهر اصفهان بود که (۱) این جامعه، ۲۵۰ نفر به

شیوه ی نمونه گیری در دسترس انتخاب و با پرسشنامه ی سیاهه ی علائم SCL-90-R^۱ و پرسشنامه ی باور به دنیای ناعادلانه مورد آزمون قرار گرفتند.

پرسشنامه ی سیاهه ی علائم (SCL-90-R) توسط دراگو تیس و همکاران ساخت و معرفی شده و یکی از پر استفاده ترین ابزارها برای سنجش شاخص های وضعیت روانی افراد در شرایط بالینی و غیر بالینی محسوب می شود. مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه ها، پنج درجه ای (هیچ تا به شدت) است و شواهد اعتبار و پایایی آن در حد قابل قبولی گزارش شده است (سجادیان و گل پرور، ۲۰۰۹). استفاده از چهار خرده مقیاس این چک لیست برای سنجش متغیرهای مورد استفاده (حساسیت بین فردی، خصومت، سوظن و بدگمانی و روان پریشی) به این دلیل بوده که بر مبنای پیشینه ی داخلی و خارجی موجود (فرنهام، ۲۰۰۳؛ گل پرور و همکاران، ۲۰۰۹؛ گل پرور و سجادیان، ۲۰۱۱) درون مایه ی باور به دنیای ناعادلانه به شدت می تواند تحت تاثیر این ویژگی ها در افراد قرار گیرد.

پرسشنامه ی باور به دنیای ناعادلانه توسط دالبرت و همکاران (۲۰۰۱) با چهار سوال برای سنجش باور به دنیای ناعادلانه معرفی شده و در یک طیف شش درجه ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) پاسخ داده می شود (دالبرت و همکاران، ۲۰۰۱). شواهد ارایه شده برای اعتبار و پایایی این ابزار در ایران، به ویژه در حوزه ی اعتبار، حاکی از شرایط به نسبت مطلوب آن است ولی به دلیل کم بودن تعداد سوالات، پایایی آن، چه در داخل (سجادیان و گل پرور، ۲۰۰۹) و چه در خارج (دالبرت و همکاران، ۲۰۰۱) در حد ۰/۵ تا ۰/۷ گزارش شده است.

یافته ها

در جدول ۱، مولفه های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه و همبستگی آنها ارایه شده است. همانطور که مشاهده می شود، بین حساسیت بین فردی، خصومت، پارانوئیا و روان پریشی، روابط مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$).

در جدول ۲، نتیجه ی حاصل از مدل سازی معادله ی ساختاری دیده می شود. لازم به ذکر است که مدل نهایی حاصل از مدل سازی معادله ی ساختاری (شکل ۲) نسبت به مدل پیشنهادی (شکل ۱) یک تفاوت را پذیرفته است. این تفاوت، بدین شرح است که برای افزایش سطح شاخصهای برازش مدل نهایی، یک مسیر از حساسیت بین فردی به روان پریشی با ضریب بتای استاندارد ۰/۶۵

1. Symptom Checklist 90 Revised

افزوده شده است. افزایش این مسیر بر پایه ی شاخصهای اصلاح ۲ و پیشینه ی پژوهش (فرنهام، ۲۰۰۳؛ میرز و همکاران، ۲۰۰۶) صورت گرفته است.

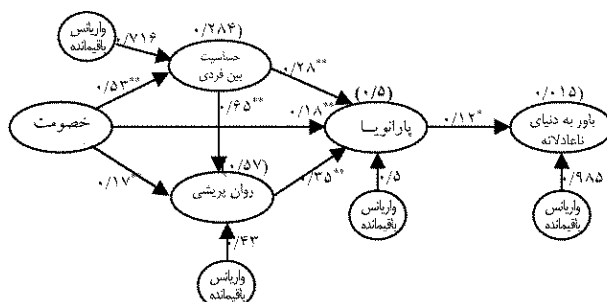
جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف حساسیت معیار فردی	خصوصیت	پارانویا	روان پریشی
۱ حساسیت بین فردی	۷/۱۴	۵/۶۴	-	-	-
۲ خصوصیت	۴/۶۷	۴/۱۴	۰/۵۳**	-	-
۳ پارانویا	۸/۰۹	۴/۷۸	۰/۶۴**	۰/۵۲**	-
۴ روان پریشی	۶/۱۷	۵/۰۵	۰/۷۴**	۰/۵۲**	۰/۶۶**
۵ باور به دنیای ناعادلانه	۱۳/۶۸	۲/۷۱	-۰/۰۲	-۰/۰۳	۰/۱۲*

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

جدول ۲: نتایج حاصل از مدل سازی ساختاری در بررسی مدل نظری پژوهش

مسیرهای مدل نهایی	B	SE	β	R^2	χ^2	$\frac{\chi^2}{df}$	NFI	CFI	PCFI	RMSEA	AIC
خصوصیت \rightarrow حساسیت بین فردی	۰/۷۲۶**	۰/۰۷۴	۰/۵۳	۰/۲۸۴							
خصوصیت \rightarrow روان پریشی	۰/۲۱۶**	۰/۰۶	۰/۱۷	۰/۱۵۷							
حساسیت بین فردی \rightarrow روان پریشی	۰/۵۸۳**	۰/۰۴۴	۰/۶۵	۰/۶۵							
حساسیت بین فردی \rightarrow پارانویا	۰/۲۴۱**	۰/۰۵۹	۰/۴۸	۰/۴۸							
روان پریشی \rightarrow پارانویا	۰/۳۳۲**	۰/۰۶۵	۰/۳۵	۰/۵*							
خصوصیت \rightarrow پارانویا	۰/۲۱۲**	۰/۰۶۳	۰/۱۸								
پارانویا \rightarrow باور به دنیای ناعادلانه	۰/۰۷**	۰/۰۳۶	۰/۱۲	۰/۰۱۵							

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$ 

شکل ۲: مدل نهایی و تایید شده از رابطه ی بین متغیرهای پژوهش

همانطور که در جدول و شکل ۲ مشاهده می شود، خصومت به تنهایی ۲۸/۴ درصد از واریانس حساسیت بین فردی را تبیین نموده است. خصومت و حساسیت بین فردی، ۵۷ درصد از واریانس روان پریشی و سپس حساسیت بین فردی، روان پریشی و خصومت ۵۰ درصد از واریانس پارانوئیا و بالاخره پارانوئیا ۱/۵ درصد از واریانس باور به دنیای عادلانه را تبیین نموده است. نتیجه ی تجزیه ی اثرات مستقیم و غیرمستقیم در جدول ۳ نشان داده شده است. براساس این جدول، اثرات غیرمستقیم خصومت، حساسیت بین فردی و در آخر روان پریشی بر باور به دنیای ناعادلانه از طریق پارانوئیا قابل توجه است.

جدول ۳: اثر مستقیم و غیرمستقیم مطرح در مدل نهایی پژوهش (در حالت استاندارد)

متغیرها	حساسیت بین فردی			روان پریشی			پارانوئیا			باور به دنیای ناعادلانه		
	۱	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۲	۳
خصومت	۰/۵۳	-	۰/۵۳	۰/۱۸	۰/۳۴	۰/۵۲	۰/۱۸	۰/۳۴	۰/۵۲	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶
حساسیت بین فردی	۰/۶۵	۰	۰/۶۵	۰/۲۹	۰/۲۳	۰/۵۱	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶
روان پریشی	۰/۳۵	۰	۰/۳۵	۰/۳۵	۰/۳۵	۰/۳۵	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴
پارانوئیا	۰/۱۲	۰	۰/۱۲	۰/۱۲	۰	۰/۱۲	۰/۱۲	۰	۰/۱۲	۰/۱۲	۰	۰/۱۲

۱ اثر مستقیم = ۱ اثر غیرمستقیم = ۲

شواهد حاصل از این تحلیل نشان داد که حساسیت بین فردی و روان پریشی، متغیر واسطه ای پاره ای^۱ در رابطه ی خصومت با پارانوئیا است. نکته ی خالب توجه اینکه تحلیل رگرسیون واسطه ای حاکی از آن بود که هیچ یک از دو متغیر حساسیت بین فردی و روان پریشی به تنهایی قادر به پیش بینی باور به دنیای ناعادلانه نیستند اما در حضور پارانوئیا، توان پیش بین آنها تا ده برابر افزایش می یابد. این شواهد، حاکی از آن است که پارانوئیا برای رابطه بین خصومت، حساسیت بین فردی و روان پریشی با باور به دنیای ناعادلانه، نقش متغیر واسطه ای تسهیل گر^۲ را ایفا می کند. شواهد ارایه شده در باب شاخصهای برازش مدل نهایی (ستون هفتم به بعد جدول ۳) حاکی از شرایط مناسب مدل نهایی از نظر این شاخصهاست و از نظر شواهد موجود، خی دو غیر معنادار نسبت خی دو به درجه ی آزادی کمتر از ۲، شاخص برازش هنجاری^۳ (NFI) و شاخص برازش تطبیقی^۴ (CFI) مساوی یا بزرگتر از ۰/۹۵، ریشه ی خطای میانگین مجذور خطا^۵ (RMSEA) مساوی یا کوچکتر از ۰/۰۶ یا ۰/۰۸ و شاخص برازش تطبیقی مقصد^۶ (PCFI) بالاتر از ۰/۵ می تواند حاکی از شرایط

1. Partial mediator variable

2. Facilitation mediator variable

3. Normative Fit Index

4. Comparative Fit Index

5. Root Mean Square Error of Approximation

6. Parsimony Comparative Fit Index

مناسب مدل نهایی باشد (میرز و همکاران، ۲۰۰۶؛ شو ماخر و لومکس، ۲۰۰۹). بنابراین، همانطور که در جدول ۳ نشان داده شده است، مدل نهایی از لحاظ نسبت خبی دو به درجه ی آزادی غیرمعناداری خبی دو، NFI، CFI و RMSEA در شرایط مناسبی قرار دارد.

بحث و نتیجه گیری

باور به دنیای ناعادلانه، از زمره متغیرهای مطرح برای رفتار و عمل در محیط های بالینی و غیربالینی محسوب می شود (فرنهام، ۲۰۰۳؛ گل پرور و همکاران، ۲۰۰۹). در این پژوهش، مدلی نوین از رابطه ی بین خصومت، حساسیت بین فردی، روان پریشی و پارانوئیا با باور به دنیای ناعادلانه مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش ها و نظریه های مطرح شده در باب باور به دنیای ناعادلانه، این باورها با سوظن و بدگمانی، منفی نگری و عدم اعتماد به انسانها و دنیای اطراف همراه با خصومت و خشم مرتبط گزارش شده اند (کلمان، ۱۹۹۷؛ لیندزی و پاول، ۱۹۹۸). در عین حال در پژوهش های گذشته در باب ارتباطات بین خصومت با حساسیت بین فردی، روان پریشی و پارانوئیا ارتباطات نظری و پژوهشی قابل توجهی گزارش شده است (ساراسون و ساراسون، ۱۹۹۶؛ مارنات، ۱۹۹۶؛ کلمان، ۱۹۹۷؛ لیندزی و پاول، ۱۹۹۸). بر این اساس، می توان گفت که مدل نهایی این پژوهش که در آن ابتدا خصومت، باعث تقویت حساسیت بین فردی، روان پریشی و پارانوئیا، سپس حساسیت بین فردی همزمان باعث تقویت روان پریشی و پارانوئیا، به دنبال آن روان پریشی باعث تقویت پارانوئیا و در آخر پارانوئیا باعث تقویت باور به دنیای ناعادلانه می شود با پژوهشها و نظریات قبلی در حوزه ی روابط بین خصومت، روان پریشی، حساسیت بین فردی و پارانوئیا با یکدیگر و رابطه ی پارانوئیا با باور به دنیای ناعادلانه، همسویی قابل ملاحظه ای را نشان می دهد (فرنهام، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۵؛ فرنهام و پروکتر، ۱۹۸۹؛ دالبرت و همکاران، ۲۰۰۱؛ ساراسون و ساراسون، ۱۹۹۶؛ مارنات، ۱۹۹۶؛ کلمان، ۱۹۹۷؛ لیندزی و پاول، ۱۹۹۸؛ لو، ۲۰۰۲). مدل نهایی پژوهش بر مبنای چند ساز و کار مطرح در روابط بین متغیرها بخوبی قابل توضیح و تبیین است.

ساز و کار اول بر مبنای یک حلقه ی ارتباطی درون مدار مبتنی بر تخصم - حساسیت و روان پریشی - پارانوئیا عمل می کند و بدین وسیله بستر را برای فعال شدن ساز و کار دوم که باعث پیوند پارانوئیا با باور به دنیای ناعادلانه می شود فراهم می سازد. ساز و کار دوم، مبتنی بر سوگیری اسنادی خصمانه و پیشگویی خود کامرواساز است.

زمانی که افکار پارانوئیدی در افراد تقویت می‌شود، اسناددهی خصمانه، منفی و بدگمانی به وقایع حوادث و انسانهای اطراف در فرد بالا می‌رود. این اسناددهی بیمارگون و خصمانه، هم باعث بازداری‌های عمده‌ی رفتاری در خود فرد و هم باعث تاثیرپذیری طرفهای تعامل با این افراد می‌شود. بازداری خود فرد و تاثیرپذیری متمایل به رنجش در افراد طرف تعامل، هر دو بدون تردید دستاوردهای روانی و اجتماعی موردانتظار را برای افراد در زندگی و به ویژه در دنیایی که در آن زندگی می‌کنند به همراه نمی‌آورند. پایان این روند، چیزی جز باور به دنیایی که در آن افراد بی‌گناه و شایسته، مجازات می‌شوند؛ تلاش، پاداش داده نمی‌شود؛ گناه و تقصیر، از زیر بار مجازات می‌گریزند و هرگز بی‌عدالتی‌هایی که بر افراد روا داشته می‌شود، جبران نخواهد شد (فرنهام، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۵؛ فرنهام و پروکتر، ۱۹۸۹؛ دالبرت و همکاران، ۲۰۰۱) نخواهد بود.

این باورها همان هسته‌ی اصلی در باور به دنیای ناعادلانه است (گل پرور و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین شواهد بدست آمده در این پژوهش، علاوه بر اینکه مدلی اولیه از نحوه‌ی تقویت باور به دنیای ناعادلانه از طریق پارانوئیا، حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و خصومت بدست داد بسترهای نظری و پژوهشی چندی را نیز پیش رو قرار داد. در درجه‌ی نخست یکی از بسترهای نظری، طرح جدی زیربناهای باور به دنیای ناعادلانه بر مبنای چهار متغیر یاد شده بود. بستر نظری بعدی، این ایده بود که (بخش یافته‌ها) پارانوئیا، یک متغیر واسطه‌ای تسهیل‌گر و تقویت‌کننده برای حساسیت بین فردی و روان‌پریشی در رابطه با باور به دنیای ناعادلانه است. از لحاظ نظری یک متغیر واسطه‌ای، متغیری است که اثرات یک متغیر مستقل را به خود جذب می‌کند و سپس این اثرات را به متغیر پیامد یا وابسته منتقل می‌کند، همچنین از لحاظ آماری به سادگی می‌توان نشان داد که در حضور متغیر واسطه‌ای، رابطه‌ی متغیر مستقل با متغیر وابسته تضعیف یا غیرمعنادار می‌شود (بارون و کنی، ۱۹۸۶).

علیرغم اینکه به لحاظ پژوهشی می‌توان تا اجرا و بررسی این پدیده در پژوهشهای دیگر کمی تبیین را به تعویق انداخت ولی حداقل از نظر اولیه می‌توان گفت که پارانوئیا یک متغیر واسطه‌ای است که به دلیل ارتباطات درونی که با متغیرهایی نظیر حساسیت بین فردی، روان‌پریشی و پارانوئیا دارد، در حضور همزمان با متغیرهای یاد شده، می‌تواند بجای تضعیف یا غیرمعنادار کردن پیوند میان متغیرهای سه‌گانه‌ی مورد اشاره با باور به دنیای ناعادلانه، به طور جدی این پیوند را تقویت کند زیرا پارانوئیا و افکار پارانوئیدی، متغیر تقویت‌کننده و زمینه‌ساز در فضای عاطفی و شناختی و

حتی رفتاری افراد محسوب می شود (ساراسون و ساراسون، ۱۹۹۶؛ مارنات، ۱۹۹۶؛ کلمان، ۱۹۹۷؛ لیندزی و پاول، ۱۹۹۸).

References

- Baron, R.M., & Kenny, D.A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychology research: conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, (51), 1173-1182.
- Callan, M. J., Will Shead, N., & Olson, J.M. (2009). Foregoing the labor for the fruits: The effect of just world threat on the desire for immediate monetary rewards. *Journal of Experimental Social Psychology*, (45), 246-249.
- Christopher, A.N., Zabel, K.L., Jones, J.R., & Marek, P. (2008). Protestant ethic ideology: Its multiright-wing authoritarianism. *Personality and Individual Differences*, (45), 473-477.
- Coleman, J.C. (1997). *Abnormal psychology and modern life*. Translated to Persian: Hashemian, K. 1th edition, Tehran: Al-Zahra University Press. (Persian).
- Dalbert, C., Lipkus, I.M., Sallay, H., & Goch, I. (2001). A just and an unjust world: structure and validity of different world beliefs. *Personality and Individual Differences*, (30), 561-577.
- Furnham, A. (1985). Just world beliefs in an unjust society: a cross cultural comparison. *European Journal of Social Psychology*, (15), 363-366.
- Furnham, A. (1995). The just world, charitable giving and attitudes to disability. *Personality and Individual Differences*, 19(4), 577-583.
- Furnham, A. (2003). Belief in a just world: Research progress over the past decade. *Personality and Individual Differences*, (34), 795-817.
- Furnham, A., & Procter, E. (1989). Belief in a just world: review and critique of the individual difference literature. *British Journal of Social Psychology*, (28), 11-20.
- Gelder, M., Gath, D., Mayou, R., & Cowen, P. (1997). *Oxford textbook of psychiatry*. Translated to Persian: Porafkari, N. 1th edition, Tabriz: Tabriz Medical Science University. (Persian).
- Golparvar, M., Khaksar, S., & Khayatani, P. (2009). The relationship between belief in a just world and an unjust world and aggression. *Journal of Iranian Psychologists*, 5(18), 127-136. (Persian).
- Golparvar, M., & Javadian, Z. (۲۰۱۱). *Thought & Behavior in Clinical Psychology*, 6 (21), 61-71. (Persian).
- Iatridis, T., & Fousiani, K. (2009). Effects of status and outcome on attributions and just-world beliefs: How the social distribution of success and failure may rationalized. *Journal of Experimental Social Psychology*. 2009; doi: 10.1061 j.jesp. 2008.12.002.
- Lindsay, S.J.E., & Powell, G.E. (1998). *The handbook of clinical adult psychology*. Translated to Persian: Avadisyans, H., & Nikkho, M.R. 1th edition, Tehran: Chelcheleh Press. (Persian).
- Loo, R. (2002). Belief in a just world: support for independent just world and unjust world dimensions. *Personality and Independent Differences*, (33), 703-711.
- Mamat, G.G. (1996). *Handbook of psychological assessment. Vol-1*. Translated to Persian: Sharifi, H.P., & Nikkho, M.R. 1th edition, Tehran: Roshd Press. (Persian).
- McParland, J.M., & Knussen, C. (2008). Just world beliefs moderate the relationship of Pain intensity and disability with psychological distress in chronic pain support group members. *European Journal of Pain*. 2008; doi: 10.10161 j.ej Pain. 2008.11.016.
- Sajadian, I., & Golparvar, M. (2008). Simple and multiple relations between just and an unjust world beliefs with psychological state. *Contemporary Psychology*, 3(1), 33-42. (Persian).
- Sarason, I.G., & Sarason, B. (1996). *Abnormal psychology. Vol-1*. Translated to Persian: Najarian, B et al. 1th edition, Tehran: Roshd Press. (Persian).